

بررسی مشکلات بانکداری بدون ربا

در جمهوری اسلامی ایران

گروه اقتصاد

مشکلات بانکداری بدون ربا

بحث درباره مشکلات بانکداری بدون ربا، به معنای نادیده گرفتن امتیازهای این شیوه بر بانکداری ربوی، و نیز به معنای عدم ضرورت به کارگیری آن نیست، بلکه در جامعه اسلامی، هر چند به کارگیری این شیوه مشکلاتی را در پی داشته باشد؛ به دلیل اتکای بر ارزشهای دینی، قابل تحمل و عملی خواهد بود. در این میان، شناخت مشکلات و رفع آنها ما را به اهداف خویش نزدیک می‌کند.

منظور از بانکداری بدون ربا، مجموعه مدون قانون عملیات بانکی و آیین نامه و دستورالعملهای اجرایی آن است، که بانکهای جمهوری اسلامی ایران موظف شده‌اند، فعالیتهای خود را بر اساس آنها انجام دهند. ابتدا در این بخش ما به مقایسه این عملیات با عملیات بانکداری ربوی پرداخته، و مشکلات آن را مطرح می‌کنیم.

مشکلات بانکداری بدون ربا، در مقایسه با بانکداری ربوی، تحت عناوین

مهمترین وظیفه بانکها، جذب و تجهیز وجوه سرگردان و راکد، و تخصیص آنها برای تأمین نیازهای مالی افراد و مؤسسات است.

بانکها با در اختیار داشتن بخش عمده‌ای از پول کشور، نقش بسیار حساس و مهمی در اقتصاد جامعه بازی می‌کنند، و به واسطه این نقش حساس، دولتها بر نظارت و کنترل بانکها اهتمام می‌کنند، تا از بانکها به صورت اهرم نیرومندی در نیل به اهداف و برنامه‌های اقتصادی خود (که متکی بر امکانات، نیازها و ارزشهای حاکم بر جامعه می‌باشد) استفاده نمایند.

در نظامهای کنونی جهان، فعالیت اکثر بانکها ربوی است. و حتی در غالب کشورهای اسلامی نیز وضع به همین قرار است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به منظور اسلامی شدن فعالیت بانکها، ابتداءً (در یافت بهره) ممنوع اعلام گردید، و پس از تنظیم قانون عملیات بانکی و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان، بانکها موظف شدند بر اساس این قانون و آیین نامه و دستورالعملهای اجرایی آن عمل کنند.

قانون عملیات بانکی بدون ربا، نقش بانکها را در جهت انجام وظایف بانکی دچار دگرگونی کرد، و اکنون پس از گذشت حدود یک دهه از آغاز تحول در سیستم بانکی، بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، با مشکلاتی روبه روست، که باید در صدد شناخت آنها و ارائه راه حل برآمد.

در تحقیق حاضر که گروه اقتصاد دفتر همکاری با مساعدت معاونت پژوهشی وزارت اقتصاد و دارایی به عمل آورده، مشکلات بانکداری بدون ربا و راه‌حلهای پیشنهادی، به لحاظ نظری و عملی مورد بررسی قرار گرفته است، به امید آنکه ارائه چنین تحقیقاتی، در اسلامی تر شدن عملیات بانکها مؤثر افتد.

زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱/۱ - پیچیدگی کار در بانکداری بدون ربا؛

۱/۲ - ضرورت آموزشهای ویژه بانکداری؛

۱/۳ - فقدان اهرم کافی و مؤثر جهت جذب سپرده‌ها؛

۱/۴ - محدودیت بهره‌گیری از عقود؛

۱/۵ - بالا بودن هزینه تسهیلات.

۱/۱ - پیچیدگی کار در

بانکداری بدون ربا

عمده تسهیلات بانکی در بانکداری ربوی، به صورت وام نمود پیدا می‌کند. بانکها با دریافت پس‌انداز و سپرده از اشخاص و مؤسسات، با توجه به طول مدت پس‌انداز و مبلغ آن، اصل سپرده و بهره آن را مطابق نرخ از پیش تعیین شده، به آنان پرداخت می‌کنند. دریافت این نوع سپرده‌ها و محاسبه بهره آن از سادگی برخوردار است، و سپرده‌گذاران و بانکها براحتی به این کار اقدام می‌نمایند.

دریافت تسهیلات و اعتبار بانکی توسط مشتریان و نیز مکانیزم ساده وام‌گیری از بانک، روند دریافت تسهیلات را ساده نموده است و وام‌گیرندگان بدون هیچ‌گونه نظارتی در مورد مصرف مبلغ دریافتی، آن را جهت برآورده ساختن نیازهای خود مصرف می‌کنند.

این شیوه هیچ‌گونه مشکل و یا بی‌اطمینانی برای سپرده‌گذاران در پی نخواهد داشت، و پس از انعقاد قرارداد و گشایش حساب، بهره‌ای که به آنان تعلق می‌گیرد و همچنین کیفیت برداشت از حسابشان، کاملاً مشخص و معین است.

ولی در بانکداری بدون ربا شیوه وامدهی و وام‌گیری، تنها در حسابهای قرض‌الحسنه پس‌انداز و جاری به کار گرفته می‌شود، که به اینگونه از حسابها

علاوه بر کمی حجم آنها نسبت به سایر وجوهی که به بانکها سپرده شده‌اند، هیچگونه بهره و یا سودی تعلق نمی‌گیرد، و احیاناً به منظور تشویق صاحبان این سپرده‌ها، بانکها جوایزی به آنان اعطا می‌کنند؛ ولی در سایر وجوه سپرده شده به بانک، به جهت نقش وکالت (واسطه‌گری) بانکها، بانک، آزادی هرگونه استفاده از وجوه را نداشته، و صرفاً مطابق قراردادهای منعقد، به تخصیص آنها می‌پردازند. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان رابطه بانک و مشتریان را در دو شکل خلاصه کرد:

رابطه اول: رابطه وامدهی و وام‌گیری بدون بهره، که بدون هیچ‌گونه مشکلی انجام می‌گیرد.

رابطه دوم: رابطه‌ای که بانک در آن نقش میانجی و وکیل را بازی می‌نماید. مشکلاتی که برای سپرده‌گذاران وجود دارد، از همین رابطه ناشی می‌شود؛ زیرا صاحبان وجوه، سپرده‌های خود را به عنوان وام در اختیار بانک قرار نمی‌دهند، بلکه به عنوان سپرده سرمایه‌گذاری به بانکها می‌سپارند.

سپرده‌گذاری به منظور سرمایه‌گذاری در بانک، ممکن است به دو صورت انجام پذیرد: یک نوع سپرده‌گذاری جهت تأمین سرمایه لازم برای پروژه معین اقتصادی؛ و نوع دیگر، سپرده‌گذاری جهت تأمین سرمایه به صورت مشاع، برای همه پروژه‌هایی که توسط بانک در آنها سرمایه‌گذاری می‌شود؛ که در هر دو نوع از سپرده‌گذاری، صاحبان وجوه، بانک را به عنوان وکیل خود در عقد قرار داد و یا سرمایه‌گذاری مستقیم، تعیین می‌کنند.

در سپردن چنین وکالتی به بانکها، که گاه شامل وکالت در توکیل نیز می‌باشد، سپرده‌گذاران علاوه بر اینکه از ابتدا میزان سودشان مشخص نشده است، ناچارند در زمینه میزان کارایی بخشهای مختلف

اقتصادی (به منظور سرمایه‌گذاری در آن بخشها) و از مسائل مربوط به قرار داد (جهت مشروعیت آن)، و درباره اختیاراتی که ناگزیر به بانک اعطا می‌کنند، اطلاعاتی کسب کنند. و موارد مذکور ضمن کند نمودن روند سپرده‌گذاری، سپرده‌گذاران را با بی‌اطمینانی مواجه می‌سازد؛ زیرا قرارداد وکالت سپرده‌گذاران، به بانکها این امکان را می‌دهد تا بتوانند در محاسبه سود با سپرده‌گذاران و دریافت کنندگان اعتبار، مصالحه نمایند، و یا از وجوه آنان به صورت مشاع در موارد مورد نظر و طبق صلاحدید بانک استفاده گردد، و در نهایت مبلغی که از محاسبه به دست می‌آید، به عنوان سود به سپرده‌گذاران بازگردانند.

نکته حائز اهمیت، توجه سپرده‌گذاران به بندهای مندرج در قرار داد و مفاهیم آنهاست، که به دلیل تعدد قرار دادها و یا تلفیق چند قرارداد در یک قرار داد، و حتی مفاهیم نامأنوس بعضی از آنها، سپرده‌گذاری در بانکداری بدون ربا را با مشکلاتی مواجه ساخته است. عدم توجه به مفاد قراردادهای، علاوه بر لطمه زدن به صحت معاملات و قراردادهای چشم‌اندازی ربوی برای فعالیتهای بانکی ایجاد خواهد نمود.

مشکل دیگر آن است که اعطای تسهیلات در بانکداری ربوی نیز به صورت وام (قرض) به متقاضیان ارائه می‌گردد، و پس از دریافت وام، متقاضی خود را مالک وجوه دانسته، و تنها پس از گذشت زمانی که برای وام در نظر گرفته شده است، خود را موظف به پرداخت قرض می‌داند؛ همچنان که بانک نیز تنها به توان بازپرداخت متقاضیان نظر دارد و هیچ‌گونه توجهی به موارد مصرف آنها ندارد.

اما در سیستم بانکداری بدون ربا،

متقاضیان در اخذ تسهیلات و اعتبارات، با محدودیتها و مشکلاتی مواجه می‌باشند که به توضیح آنها می‌پردازیم:

تسهیلات در بانکداری بدون ربا، تحت عناوین و قراردادهای معین زیر اعطا می‌گردد:

- ۱- مضاربه
- ۲- مشارکت مدنی و حقوقی
- ۳- جعاله
- ۴- فروش اقساطی
- ۵- اجاره به شرط تملیک
- ۶- خرید دین
- ۷- معاملات سلف
- ۸- مزارعه
- ۹- مساقات
- ۱۰- قرض الحسنه

بهره‌برداری از این تسهیلات - که در قالب یکی از عقود نامبرده اعطا می‌گردد - باید در دایره معین آن قرار داد صورت گیرد، و آشنایی کافی با ضوابط و شرایط آن، جهت دریافت تسهیلات مربوط و استفاده از آن امری ضروری است؛ زیرا چنانچه اعتبارات مذکور در غیر مورد قرارداد هزینه شود، مشکلات حقوقی و شرعی را در پی خواهد داشت، و گاهی به بطلان قرار داد و عدم مشروعیت معاملات می‌انجامد؛ به عنوان مثال: تسهیلات در قالب مضاربه صرفاً جهت انجام امور بازرگانی و تجارت می‌باشد، و چنانچه برای امور کشاورزی و... استفاده گردد، موجب بطلان قرارداد می‌شود. علاوه بر آنکه به دلیل عدم آشنایی متقاضیان با مفاد قراردادهای ربوی بودن بانک تا تثبیت کامل نظام بانکداری اسلامی و انس بیشتر مردم با قراردادهای مذکور، وجود خواهد داشت.

۱/۲- ضرورت آموزشهای ویژه بانکداری

در بانکداری بدون ربا به دلیل تعدد قراردادهای و محدودیتهایی که در بهره‌گیری از پاره‌ای عقود وجود دارد، و همچنین به منظور عمل مطابق با دستورات شرع مقدس اسلامی، ضرورت آموزش کارگزاران بانکی و مراجعان به آنها امری بدیهی و لازم است؛ زیرا بدون آموزش کافی ممکن است نتایج نامطلوبی پدید آید؛ از قبیل عدم موفقیت در دریافت تسهیلات مناسب از بانک، انعقاد قراردادهای ناصحیح و نابجا و در نتیجه محرومیت از دریافت تسهیلات مناسب، جنبه‌ی صوری پیدا کردن قراردادهای و فعالیت‌های بانکی، بطلان قراردادهای، حرمت درآمد و سود، بی‌مبالاتی مردم در رباخواری، عدم همکاری افراد متدین با بانک و بالاخره ربوی شدن نظام بانکداری.

بر این اساس، توضیح و تفسیر مفاد انواع قراردادهای و کیفیت کار برد آنها، و استفاده بهینه از تسهیلات آموزش در بانکداری بدون ربا امری ضروری است؛ زیرا تسهیلات در قالب وام، در هر زمان می‌تواند مشکل مالی فرد را حل نماید؛ ولی تسهیلاتی که در بانکداری بدون ربا اعطا می‌گردد، چه بسا در بعضی موارد در اثر بی‌توجهی و یا تأخیر در مراجعه به بانک و انعقاد قرارداد، نتواند (به طور کامل و یا صحیح) مشکل گشا باشد؛ به عنوان مثال: استفاده از قرارداد جعاله و یا فروش اقساطی جهت تعمیر واحدهای مسکونی و یا خرید لوازم خانگی، در زمانی امکان پذیر است که تعمیرات پایان نیافته، و یا آن کالا خریداری نشده باشد؛ ولی چنانچه به طریقی تعمیر انجام گرفت و یا کالا خریداری شد، به منظور پرداخت دیون مربوطه، امکان استفاده از قرارداد جعاله نیست، و تنها می‌توان از طریق

قرض الحسنه، مشکل را حل نمود و قهراً به دلیل کمی حجم و امه‌ای قرض الحسنه، همه افراد نمی‌توانند از آن برای رفع نیازمندیهایی خودشان بهره‌مند گردند.

۱/۳- فقدان اهرم قوی و مؤثر برای جذب سپرده‌ها

در بانکداری ربوی، نرخ بهره از پیش تعیین شده، اهرمی بسیار قوی و مؤثر در جذب سپرده‌ها به بانک می‌باشد، و بانکها می‌توانند هر زمان که بخواهند با کم یا زیاد نمودن نرخ بهره، حجم سپرده‌های بانکی را کاهش و یا افزایش دهند. همچنانکه تغییر در نرخ بهره نیز می‌تواند حجم تقاضای تسهیلات را افزونتر و یا از حجم آن بکاهد.

ولی در بانکداری بدون ربا، به دلیل حرمت ربا و ممنوعیت پرداخت بهره به سپرده‌گذاران، و یا دریافت بهره از دریافت‌کنندگان تسهیلات بانکی، باید از اهرم دیگری جهت دستیابی به این هدف استفاده شود؛ زیرا در حالت‌های مختلف اقتصادی و شرایط ویژه هر زمان، برای اعمال سیاست‌های اقتصادی، دولت‌های نامند به اهرمی قوی می‌باشند، تا بتوانند حالت تورمی و یا رکود جامعه را اصلاح نمایند. این اهرم جهت جذب سپرده‌ها، به دلیل دوگانگی و جوه مالی که بانکها دریافت می‌کنند، در بانکداری بدون ربا متعدد است، و نمی‌توان برای هر دو از اهرمی واحد استفاده کرد. لذا جهت جذب سپرده‌های قرض الحسنه، می‌بایست با بیان آثار و فواید قرض الحسنه و اجر اخروی آن، انگیزه‌های معنوی و حس نوع دوستی مردم را تقویت نمود، و یا از جوایز بانکی استفاده کرد تا چنین سپرده‌هایی جذب بانکها شود.

آنچه مسلم است، در این نوع از سپرده‌ها بویژه در زمانهایی که ارزش پول دستخوش تغییرات شدید است،

بانکداری بدون ربانمی تواند بجز انگیزه‌های معنوی، از اهرمهای دیگر قوی و مؤثری استفاده نماید؛ و این انگیزه‌ها نیز نمی‌تواند در همه شرایط، و جوه مورد نیاز بانکها را جذب نماید. (البته راههایی جهت تقویت این انگیزه‌ها و نیز برای جبران کاهش ارزش پول وجود دارد، که در بخش راه‌حلها مطرح خواهد شد.)

در بانکداری بدون ربا در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری، از اهرم سود انتظاری و علی‌الحساب استفاده می‌شود، که این اهرم در صورت نبود بانکهای مشابه و یا بانکهای ربوی رقیب، می‌تواند از کارآیی نسبتاً خوبی برخوردار باشد؛ ولی مطمئناً کارآیی، سود قطعی (بهره معین) را نخواهد داشت، مگر آنکه همواره نرخ سود انتظاری بانک، بالاتر از نرخ بهره متعارف باشد که این امر ممکن نیست؛ زیرا بانکهای غیر ربوی و خصوصاً بانکهای دولتی، ملزم به حرکت در جهت سیاستهای اقتصادی دولت و همچنین مراعات مصالح عمومی جامعه هستند، و دستیابی به این اهداف، مستلزم رعایت اصولی، همچون تعیین نرخ مناسب سود و یا درصد معینی از سود حاصله برای دریافت کنندگان تسهیلات، و در نهایت، استفاده از عقود متعدد شرعی است. در حالی که سایر مؤسسات مالی و یا بانکهای ربوی، غالباً بالا بردن سود و بهینه سازی آن را مد نظر دارند، و معمولاً از عقود که ریسک کمتر و سود بیشتری دارد استفاده می‌کنند، و توجهی به مصالح عمومی جامعه ندارند.

بانکداری بدون ربا برای جذب سپرده‌های جاری نیز نمی‌تواند از اهرم قوی پرداخت سود مشخص و معین بانکداری ربوی استفاده نماید، و امتیاز این سپرده‌ها برای سپرده‌گذاران، تنها در مواردی، از قبیل خدمات بانکی در انتقال وجوه، حوالجات، امکان بهره‌گیری از

چک و حق تقدم در دریافت تسهیلات و ... خلاصه می‌شود، که در بانکداری ربوی نیز وجود دارد.

۴/۱- محدودیت بهره‌گیری از عقود

در بانکداری ربوی، از آن جهت که وجوه سپرده‌گذاران به عنوان وام از آنان دریافت می‌شود، و تسهیلات بانکی نیز به صورت وام به متقاضیان تحویل می‌گردد، دست بانک و دریافت کنندگان تسهیلات، در به کارگیری وجوه باز بوده، و متقاضیان تسهیلات می‌توانند وجوه دریافتی را در موارد دلخواه خود (اعم از امور تولیدی، تجاری، مصرفی و ...) به کار گیرند. همچنان که بانکها بدون دغدغه خاطر، پس از اطمینان از توانایی بازپرداخت متقاضی، تسهیلات مورد نیازش را به صورت وام در اختیار او قرار می‌دهند، و در سر رسید معین، مبلغ وام و بهره معین آن را دریافت می‌کنند. بر این اساس، محدودیتی برای بانکها در اعطای تسهیلات و برای دریافت کنندگان در به کارگیری تسهیلات وجود ندارد.

اما در بانکداری بدون ربا، تسهیلات بانکی به چهار گروه عمده زیر تقسیم می‌شود:

۱- گروه مشارکتها؛ همچون مشارکت مدنی و حقوقی، مضاربه، مزارعه، و مساقات؛

۲- گروه مبادلات؛ مانند فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و معاملات سلف؛

۳- گروه تعهدات؛ مانند جعاله و ضمانتنامه؛

۴- گروه وام قرض الحسنه. بنابراین بانکها نمی‌توانند، همانند سیستم ربوی، تسهیلات خود را فقط به صورت وام پرداخت نمایند؛ زیرا حجم کمی از تسهیلات به صورت وام (قرض

الحسنه)، و غالب آنها در چارچوب عقود و قراردادهای دیگر به بانک تحویل می‌گردد، و یا به عنوان تسهیلات بانکی در اختیار متقاضیان قرار داده می‌شود. و از طرف دیگر، سایر عقود در بانکداری بدون ربا از قابلیت‌های عقد وام (قرض) بهره‌مند نیستند.

بجز قرارداد قرض الحسنه و تسهیلاتی که در چارچوب این قرارداد به متقاضیان پرداخت می‌گردد، سایر قراردادهای، تنها در گروه خاص خود قابلیت به کارگیری دارند، و امکان بهره‌گیری در غیر موارد تجویز شده در قانون و شرع وجود ندارد؛ به عنوان مثال: از قرارداد مضاربه که باید در امور تجاری استفاده شود، نمی‌توان تسهیلاتی، مانند بنا، تعمیر و یا تکمیل ساختمان استفاده نمود؛ و یا در موردی که باید از قرارداد معاملات سلف بهره گرفت، نمی‌توان تسهیلات ویژه فروش اقساطی و یا جعاله را دریافت کرد. لذا برای همه نیازهای اقتصادی و تحت هر شرایطی نمی‌توان از این عقود استفاده کرد، و قابلیت هر عقد، منحصر به حیطه فعالیت‌های اقتصادی خاص خویش است؛ علاوه بر آنکه محدودیتهایی نیز برای کارگزاران بانکها دربر خواهد داشت. بانکها ناگزیر از ارزیابی و حصول اطمینان از سودآوری پروژه‌ها می‌باشند، و پس از برآورد میزان سود احتمالی پروژه‌ها باید دریافت کنندگان تسهیلات، در میزان سهم آنان از سود به توافق برسند، و بر مراحل پیشرفت کار نظارت نمایند.

با توجه به مطالب مذکور، بانک و متقاضی تسهیلات، در به کارگیری وجوه دارای آزادی عمل نیستند، چه اینکه بانکها تحت ضوابط مشخصی به اعطای تسهیلات و محاسبه سود و زیان و بررسی واقعی بودن نیاز متقاضی و نوع آن، و قدرت باز پرداخت و ... می‌پردازند،

و این ضوابط و الزامات، مشکلاتی، از قبیل لزوم نظارت و تمهیدات لازم جهت کنترل تخلفات و استخدام کارشناسان لایق و... را در پی خواهد داشت.

۵/۱- سنگین تر بودن هزینه تسهیلات

هزینه تسهیلات در بانکداری بدون ربا، حداقل به دو دلیل، بیشتر از هزینه تسهیلات در بانکداری ربوی می‌باشد: یکی ورود بانک در بخش حقیقی اقتصاد؛ و دوم: نقش واسطه‌گری بانک.

هرچند هزینه‌های ناشی از ورود بانک به بخش حقیقی اقتصاد، هزینه‌های طبیعی و غیر زایدی است که دریافت کنندگان تسهیلات از بانکهای ربوی نیز به هنگام سرمایه‌گذاری باید آن را بپردازند؛ ولی در مقایسه بانکداری بدون ربا با بانکداری ربوی، این هزینه‌ها در سبد هزینه‌های تسهیلات به حساب می‌آید. همچنین است هزینه‌هایی که از تغییر نقش بانک به وجود آمده است، و بانک به دلیل عدم استقلال در به‌کارگیری سپرده‌ها و نقش وکالت و واسطه‌گری آن، مجبور به پرداخت هزینه‌هایی، همچون هزینه نظارت، محاسبه سود و زیان و... گردیده است. هزینه‌هایی که می‌توان در سبد هزینه تسهیلات بانکداری بدون ربا مشاهده نمود عباراتند از:

- ۱- هزینه ارزیابی و کارشناسی؛
- ۲- هزینه نظارت؛
- ۳- هزینه بیمه؛
- ۴- هزینه ثبت؛
- ۵- هزینه اطلاعات و بازاریابی؛
- ۶- هزینه محاسبات سود و زیان؛
- ۷- هزینه‌های زمانی (هزینه فرصت مناسب و طولانی شدن زمان دریافت تسهیلات)؛
- ۸- هزینه جبران ریسک نسبت به اصل سرمایه و سود آن.

مشکلات بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران

در این بخش به بررسی مشکلاتی می‌پردازیم که بانکداری بدون ربا به هنگام اجرای قانون عملیات بانکی و آیین‌نامه‌ها و دستورالعملهای اجرایی با آن مواجه گردیده است.

برخی از این مشکلات در مرحله‌گذار از شیوه بانکداری ربوی به بانکداری بدون ربا، امر طبیعی به نظر می‌رسد؛ ولی طولانی شدن این مرحله و عدم توجه به راههای عملی حل مشکلات، ضرورت بررسی آنها و ارائه راه‌حلهای مناسب را دو چندان می‌نماید.

در این بخش، بررسی مشکلات بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، در سه قسمت صورت می‌پذیرد که به شرح ذیل است:

۱- مشکلات جذب نقدینگی؛

۲- مشکلات اعطای تسهیلات و اعتبارات؛

۳- مشکلات دیگر.

۱/۲- مشکلات جذب نقدینگی

۱/۱-۲/۱-۱- عدم آشنایی با

شیوه جدید بانکداری

پس از گذشت حدود یک‌دهه از آغاز تحول در سیستم بانکی کشورمان، هنوز کارگزاران بانکی و مراجعه‌کنندگان به بانک، آشنایی کافی با نحوه کار بانک پیدا نکرده‌اند، و بر اساس آمار و اظهار نظر رؤسای بانکها، تنها ۲۹/۷٪ از مراجعان و ۵۵/۸٪ از کارمندان بانکها، با قانون عملیات بانکداری بدون ربا و شیوه کار بانکداری کنونی کشورمان آشنایی دارند. البته در مواردی، همچون حساب قرض‌الحسنه پس‌انداز و یا حساب

جاری، به دلیل مشابهت آنها با حسابهای پس‌انداز و جاری در بانکهای ربوی، این آشنایی بالاتر است، و تنها توجه آنان به قرض‌الحسنه بودن اینگونه از حسابها و عدم انتظار بهره از سوی سپرده‌گذاران، برای صحت قراردادهای و مشروعیت آنها کافی است؛ ولی با وجود اعطای جوایز در اینگونه حسابها، احتمال دارد افراد کم‌اطلاع، از بانکداری بدون ربا تصورات نادرستی داشته باشند.

اما تفاوت حسابهای سپرده (اعم از کوتاه مدت و یا بلند مدت)، با حساب پس‌انداز بانکهای ربوی، بر بسیاری از مراجعان و حتی کارگزاران بانکی روشن نیست.

عدم آشنایی مراجعان به بانکها - با توجه به اطلاعات و آمار - به اندازه‌ای زیاد است، که در یک پژوهش، از حدود صد نفر، در پاسخ به این سؤال که چه تفاوتی بین سود و بهره وجود دارد، ۶۷ نفر هیچ‌گونه تفاوتی بین این دو قائل نشده‌اند، و عده‌ای که تفاوتی قائل شده‌اند، با نظر به پاسخهای آنان می‌توان دریافت که معنای سود و یا بهره و تفاوت آن دو را درست تشخیص نمی‌داده‌اند.

معمولاً سپرده‌گذاران به هنگام افتتاح حساب، به میزان سود سپرده‌ها می‌اندیشند، و غالباً کارت افتتاح حساب را بدون مطالعه و یا بدون توجه به مندرجات آن امضا می‌نمایند. عدم آشنایی و بی‌توجهی به مفاد قرارداد در اینگونه از حسابها، مشکلاتی قانونی و شرعی در پی دارد، و در برخی از مواقع به بطلان معاملات و یا عدم تعلق سود و... می‌انجامد.

متأسفانه این نکته بر بسیاری از کارگزاران بانک نیز روشن نشده، و انگیزه‌ای جهت فراگیری و یا تفهیم آن به مراجعان، در آنها وجود ندارد. به جدول شماره یک که کارگزاران

بانکی کشور به سؤال ذیل پاسخ داده‌اند
توجه کنید:

سؤال: آیا شما به توجیه افراد ناآشنا به قانون عملیات بانکی بدون ربا اقدام می‌نمایید؟ به چه صورت و آیا این توضیحات را برای آنان کافی می‌دانید؟

جدول شماره ۱

جواب	بلی	بلی کافی	خیر پاسخ	بدون کل	کل
شهرستان	کافی	ناکافی			
۱- تهران				۱	۱
۲- مشهد	۱	۶	۲		۹
۳- تبریز	۶	۷	۱		۱۴
۴- قم	۱	۲	۱	۳	۷
۵- ارومیه	۱	۱			۲
۶- اصفهان	۱	۱	۵		۷
۷- یزد	۱	۲	۲		۵
۸- رشت و آستارا	۲				۲
۹- اراک	۳	۱۰	۱		۱۴
کل	۱۶	۲۹	۱۲	۴	۶۱

۲/۱/۲ - تصور باقی ماندن شیوه ربوی در فعالیتهای بانکداری جدید

هم اکنون عملکرد بانکهای کشورمان، این نکته را به اذهان تداعی می‌کند که در بانکداری موجود، تنها اسم و عنوان و یا قالب کارها تغییر کرده است، و در واقع، عملکرد آنها همان عملکرد بانکهای ربوی است.

بر اساس نظر خواهی از افراد مرتبط با بانکها، عده زیادی این مطلب را تأیید نموده، و تغییرات بانکی کنونی را تغییراتی لفظی و در نهایت نمونه‌ای از کلاه شرعی دانسته‌اند، و تفاوتی در عملکرد بانکداری کنونی و سابق قائل نشده‌اند.^۱ پاسخ دهندگان به سؤال از

تفاوت بین بهره و سود و یا تفاوت بین وام و تسهیلات تحت عنوان عقود اسلامی، غالباً این تفاوت را احساس نکرده‌اند، و یاصریحاً بانکداری کنونی را همان بانکداری ربوی سابق، بانکدک تغییری در اسامی و الفاظ دانسته‌اند.

بر اساس جمع بندی پاسخهای به دست آمده از ۱۰۹ نفر پاسخ دهنده، ۶۷ نفر اظهار داشته‌اند: میان بهره و سود بانکی فرقی نیست، که طبعاً اینان نظر به عملکرد بانکداری کنونی دارند و آن را با بانکداری ربوی گذشته مقایسه می‌کنند؛ و بی‌پاسخی تعداد چهارده تن نیز، نشان بی‌اطلاعی آنان از تفاوت این دو مقوله بوده است. و جالبتر پاسخ کسانی است که معتقد به تفاوت هستند؛ ولی دقت در پاسخهایشان نشان می‌دهد که آنان نیز تفاوت فقهی و قانونی بهره و سود را نمی‌دانند.

سؤال: آیا به نظر شما تفاوتی میان بهره و سود بانکی وجود دارد؟

جدول شماره ۲

جواب	خیر	پاسخ	کل
شهر			
۱- تهران	۲۸	۴	۴۴
۲- مشهد	۱۰	۲	۱۳
۳- تبریز	۷		۱۱
۴- قم	۸	۱	۹
۵- ارومیه	۳	۳	۸
۶- اصفهان	۱	۲	۷
۷- یزد	۳		۷
۸- گرگان	۳	۲	۶
۹- اراک	۴		۴
کل	۶۷	۱۴	۱۰۹

همچنین در بیان تفاوت وام و تسهیلاتی که تحت عنوان عقود اسلامی داده می‌شود، ۲۸ مورد اظهار داشته‌اند که هیچ‌گونه تفاوتی ندارند و تنها تغییر در

لفظ و کلاه شرعی است؛ و هفت مورد با اینکه اظهار داشته‌اند ماهیت بانک ربوی و بانک اسلامی متفاوت از یکدیگرند، در عین حال گفته‌اند: در عملکرد بانکها نسبت به سابق هیچ تفاوتی مشاهده نکرده‌اند؛ و این خود گواه بر تصور عمومی در ربوی بودن عملکرد بانکهاست.

هشت مورد اظهار داشته‌اند؛ چون هر دو شیوه بانکداری، هدف گرفتن بهره زیاد را تعقیب می‌کنند، تفاوتی با هم نخواهند داشت، که در نتیجه، این افراد نتیجه کار بانک را در ارائه تسهیلات، مشابه کار بانکداری ربوی به شمار آورده‌اند.

با توجه به اظهارات فوق و پاسخ بعضی از کارگزاران بانک در پاسخ به «علت توجیه نکردن افراد مراجعه کننده توسط آنان»، عدم آشنایی با قانون و نداشتن توانایی توجیه افراد نا آشنا و... را ذکر کرده‌اند، این شیوه اعطای تسهیلات توسط چنین کارگزارانی، نتیجه‌ای جز تصور ربوی بودن فعالیتهای بانکی ندارد. خصوصاً با توجه به اعتراف کارگزاران و رؤسای بانکها، که جزئیات قانون عملیات بانکی بدون ربا در عمل رعایت نمی‌شود، و یا به طور ناقص عمل می‌گردد. احیاناً به جهت عدم مبالات مراجعان و کارگزاران بانکی در بخش دریافت تسهیلات، صورت سازی می‌کنند، و به عنوان مثال: فاکتورهای صوری را جهت دریافت تسهیلات مضاربه و غیره به بانک ارائه می‌نمایند، و بانکها نیز آنها را می‌پذیرند.

پاسخ کارگزاران بانکها و همچنین بیان مشکلات عملیات بانکداری از زبان کسانی که دائماً در ارتباط با این فعالیتهای هستند، مسأله را بیشتر روشن می‌سازد.

این تصور عمومی از بانکها چه صحیح و چه ناصحیح (زیانهای فراوانی

۱. ر. ک: جدول شماره دو.

کنید.)

برای بانکداری بدون ربا و جامعه اسلامی ما خواهد داشت؛ برخی از این آثار منفی عبارتند از:

- * بی‌اعتمادی مسلمانان به فعالیتهای بانکها، و عدم همکاری آنان.
- * نادیده گرفتن آثار زیانبار رباخواری در جامعه، و سست شدن ایمان مردم.
- * طرح عدم موفقیت بانکداری بدون ربا، و لزوم روی آوردن به بانکداری ربوی.

برای حل مشکل، باید علل و عواملی که باعث پدید آمدن این تصور و یا تقویت آن در اذهان مردم گردیده است، مورد بررسی قرار گیرند. بعضی از این عوامل به شرح ذیلند:

الف) عدم تبیین قوانین و مقررات بانکداری بدون ربا، برای مردم و کارگزاران بانکی: مردم به دلیل مشابهت بعضی از فعالیتهای بانکداری بدون ربا با شیوه ربوی، بدون توجه به روند کار در بانکداری بدون ربا و یا نحوه به کارگیری سپرده‌ها در بانک و محاسبه سود و زیان آنها، گمان می‌کنند مبلغ افزوده بر سپرده آنها، همان افزوده‌ای است که در بانکداری ربوی پرداخت می‌شد؛ در حالی که اگر شیوه بانکداری بدون ربا، کاملاً برای مردم توجیه و تفسیر می‌گردید، و کارگزاران بانک، خود به شیوه جدید و آشنایی کافی داشتند، و به هنگام مراجعه متقاضیان و سپرده‌گذاران، آنان را توجیه می‌نمودند، هرگز این تصور در اذهان مردم جای نمی‌گرفت.

در این رابطه به پاسخ کارگزاران در جدول شماره سه توجه نمایید.

سؤال: کارمندان شعبه شما تا چه حد با قانون عملیات بانکی بدون ربا آشنایی دارند؟ (درصد تقریبی آن را ذکر

جدول شماره ۳

حدود طبقات (درصد)	fi	mi	fimi
۰-۲۰	۶	۱۰	۶۰
۲۰-۴۰	۱۰	۳۰	۳۰۰
۴۰-۶۰	۱۵	۵۰	۷۵۰
۶۰-۸۰	۲۲	۷۰	۱۵۴۰
۸۰-۱۰۰	۹	۹۰	۸۱۰
		N = ۶۲	fimi = ۳۴۶۰

$$X = \frac{۳۴۶۰}{۶۲} = ۵۵/۸$$

میزان آشنایی کارمندان شعب مورد بررسی در شهرستانهای مختلف، بنا به اظهارات رؤسای شعب، به طور متوسط ۵۵/۸ درصد می‌باشد. در صورتی که اجرای صحیح قانون عملیات بانکداری بدون ربا، نیازمند آشنایی کامل کارمندان سیستم بانکی با قانون مذکور می‌باشد.

ب) عامل دیگر تقویت این تصور، عدم اهتمام بسیاری از کارگزاران بانک، به اجرای دقیق قانون و مقررات بانکی است، بر این اساس، انگیزه‌ای برای انعقاد قراردادهای واقعی وجود ندارد، و عملیات بانکداری با حفظ شکل ظاهری قراردادها و بعضاً با تغییر در نام و آوردن در یکی از قالبهای بانکداری بدون ربا، صورت می‌پذیرد. و این امر تصور فوق را در اذهان ارباب رجوع و افراد مرتبط با بانک ایجاد و تقویت می‌نماید.

ج) عامل دیگر، استفاده از تعبیرهای مرسوم بانکداری ربوی در بانکداری کنونی است؛ مانند بهره، نرخ بهره، وام، درصد معین سود، جریمه تأخیر تأدیه و...؛ از این رو باید از اصطلاحات ویژه بانکداری بدون ربا استفاده کرد، و مفهوم و محتوای آنها را برای مردم بازگو نمود، تا چنین تصویری برای آنان به وجود نیاید.

د) عامل دیگر، اعلام نرخ سود سپرده‌های بانکی، بدون تأکید بر قید «علی‌الحساب» به مراجع کنندگان است. همان‌گونه که در قانون عملیات بانکی نیز آمده است، در اکثر قراردادهای بانکداری بدون ربا که بین سپرده‌گذار با بانک، و یا متقاضی تسهیلات با بانک منعقد می‌گردد، نرخ سود، مشخص و معین نمی‌باشد، و به هنگام سپرده‌گذاری افراد، نرخ سود انتظاری و یا مبلغی که فعلاً علی‌الحساب به عنوان سود در نظر گرفته می‌شود، به آنان اعلام می‌گردد، تا پس از محاسبه سود بانک در همه پروژه‌ها، سود واقعی و قطعی اعلام شود و سپس به سپرده‌گذاران برگردد. همچنین به هنگام انعقاد قرارداد بانک با متقاضی تسهیلات، صرفاً درصد سود هر یک از طرفین قرارداد مشخص می‌گردد؛ ولی میزان سود منوط به سرمایه‌گذاری و نتیجه آن می‌باشد؛ در صورتی که در بانکداری کنونی، این نرخ به صورت مشخص و لایتغیر اعلام می‌گردد، و مواردی که کمتر و یا بیشتر از این نرخ پرداخت گردیده باشد، بسیار نادر و نامحسوس است؛ لذا این تصور به ذهن افراد می‌آید که هیچ‌گونه تفاوتی در عملکرد بانکداری کنونی با بانکداری ربوی به وجود نیامده، و چنین تصویری پیامدهای نامطلوبی به جای خواهد گذاشت.

ه) عامل مهم دیگر، شیوه انعقاد قرارداد، بین بانک و متقاضیان تسهیلات می‌باشد. در بانکداری کنونی، ابتدا بانک نرخ مشخصی از سود را که مایل است بدان دست یابد، در نظر می‌گیرد، و سپس بر اساس آن با متقاضی وارد معامله و انعقاد قرارداد می‌شود؛ یعنی به گونه‌ای قرارداد را امضا می‌نماید، که صددرصد میزان سود مورد نظر حاصل گردد؛ ولی

توجهی به میزان سود واقعی که می‌بایست حاصل شود، نمی‌شود. متقاضیان تسهیلات به طور مشهود ملاحظه می‌نمایند، که بانک در قالب عقود شرعی، سود مشخصی از آنان دریافت می‌کند، و قرارداد شرعی صرفاً به جهت شکل شرعی دادن به قرارداد و معاملات می‌باشد، و این تصور که این شیوه همان شیوه ربوی است، بر ایشان قوت می‌گیرد؛ به عنوان مثال: عملکرد بانک در قراردادهای مشارکت مدنی و فروش اقساطی ساختمان اینگونه است. متقاضی تسهیلات می‌بیند همه همت بانک در انعقاد قرارداد و ارزیابی و... رسیدن به سود معین با نرخ مشخص شده از سوی بانک می‌باشد.^۱

۲/۱/۳ - کاهش انگیزه سپرده‌گذاری در مردم

یکی از عوامل سپرده‌گذاری مردم در بانکها انگیزه دینی و معنوی آنان می‌باشد، و بر این اساس، چنانچه شیوه و عملکرد بانک این انگیزه را تأمین ننماید، بسیاری از مردم ترجیح خواهند داد به دلیل رعایت احکام الهی، سپرده‌های خود را به بانک نسپارند.

انگیزه معنوی در سپرده‌های قرض الحسنه به صورتی چشمگیرتر مشاهده می‌گردد، و فرد سپرده‌گذار به منظور کسب رضایت الهی و حس نوع دوستی و کارگشایی از نیازمندان و... سپرده خود را به بانک می‌سپارد، تا بانک به اعطای قرض الحسنه به افراد نیازمند اهتمام ورزد.

به طور طبیعی، منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری، سپرده‌های سرمایه‌گذاری (اعم از کوتاه مدت و بلند مدت) بوده، و منبع مالی تسهیلات قرض الحسنه، جهت کارگشایی، سپرده‌های قرض الحسنه (پس‌انداز و جاری)

می‌باشند.

هنگامی انگیزه کافی سپرده‌گذاری در مردم تقویت می‌گردد، که بدانند هر کدام از سپرده‌هایشان در مسیر صحیح به کار گرفته شده، و اهدافشان را تأمین نموده است.

در بانکداری کنونی، متأسفانه بخش عظیمی از سپرده‌های قرض الحسنه که به انگیزه پرداخت تسهیلات قرض الحسنه، به بانکها سپرده می‌شوند، در جهت سرمایه‌گذاریها و در مسیر غیر قرض الحسنه به کار گرفته می‌شوند، که این مشکل به واسطه دو عامل ایجاد گردیده است:

الف) دستورالعمل اجرایی پرداخت قرض الحسنه؛

ب) اجرا نشدن دستورالعمل توسط بانکها.

در ماده پنج دستورالعمل اجرایی قرض الحسنه اعطایی بانکها چنین آمده است:

«حداکثر جمع کل قرض الحسنه‌های اعطایی توسط بانکها، ۱۰٪ جمع کل تسهیلات اعطایی در هر سال خواهد بود، مشروط بر اینکه از جمع کل سپرده‌های پس‌انداز قرض الحسنه تجاوز ننماید.»

در این ماده قانونی، از دو جهت تسهیلات قرض الحسنه محدود گردیده است:

۱ - نادیده گرفتن مانده حسابهای قرض الحسنه جاری مانده حسابهای جاری که حجم عظیمی از سپرده‌های قرض الحسنه را به خود اختصاص می‌دهد، جزء منابع مالی تسهیلات قرض الحسنه به حساب نیامده، و فقط این تسهیلات از منبع پس‌اندازهای غیر جاری پرداخت می‌گردند. از آنجا که سپرده‌گذاران، در حسابهای جاری مشاهده می‌نمایند که سپرده آنان در مسیر قرض الحسنه به کار گرفته نمی‌شود،

هیچ‌گونه انگیزه معنوی برای آنان جهت سپرده‌گذاری باقی نمی‌ماند، و صرفاً به منظور بهره برداری از امتیازات حساب جاری به این عمل دست می‌زنند؛ در صورتی که اگر بخشی از این سپرده‌ها نیز در مسیر اعطای تسهیلات قرض الحسنه به کار گرفته می‌شدند، انگیزه معنوی افراد، آنان را وادار به سپرده‌گذاری و استفاده از وجوه سرگردان در این امر می‌نمود.

۲ - عدم اختصاص کل پس‌اندازهای قرض الحسنه، در جهت اعطای تسهیلات قرض الحسنه.

بر اساس ماده قانونی، فقط معادل ۱۰٪ از کل تسهیلات اعطایی، تسهیلات قرض الحسنه اعطا می‌گردد، و با وجود تبدیلیاتی که برای سپرده‌گذاری قرض الحسنه وجود دارد و خواهد داشت، به نظر می‌رسد حجم سپرده‌های قرض الحسنه به مراتب بیشتر از ۱۰٪ کل تسهیلات باشد، و بانکها مازاد بر این ۱۰٪ را در سرمایه‌گذاریهای سودآور به کار می‌گیرند. این عمل علاوه بر کاهش میزان تسهیلات قرض الحسنه، افرادی را که صرفاً با انگیزه معنوی به سپرده‌گذاری می‌پردازند، از این عمل منصرف می‌گرداند؛ زیرا می‌دانند دست‌کم بخشی از سپرده‌های آنان به صورت قرض الحسنه پرداخت نمی‌گردد.

ب) اجرا نشدن دستورالعمل

صرف نظر از محدودیتی که در قانون برای پرداخت قرض الحسنه ایجاد شده، در اجرای این ماده قانونی نیز کاستی و اهمال می‌شود. آیا می‌توان باور نمود که این حجم محدود قرض الحسنه اعطایی کنونی بانکها، ۱۰٪ کل تسهیلات بانکها باشد؟ اثبات این مطلب با توجه به آمار و ارقام، عاملی در جهت تضعیف انگیزه

۱. ر. ک: «نتایج پاسخهای مراجعان به بانک»؛ ص ۹۹، بند ۵.

سپرده‌گذاری در بانکها و کاهش عملکرد بانکها نسبت به پرداخت این وام خدا پسندانه؛ یعنی بهترین شیوه ارائه تسهیلات به افراد نیازمند می‌باشد. این نکته نیز نباید از نظرها دور بماند که تبلیغات کنونی جهت سپرده‌گذاری، و مطرح نمودن جایزه‌های متنوع و رقابت بانکها در اعلام جوایز، موجب کاهش انگیزه‌های معنوی مردم می‌گردد، و توجه آنان را بیشتر به بهره‌مندی از جوایز، به جای بهره سابق سوق می‌دهد. در صورتی که می‌توان ضمن بهره‌مند شدن سپرده‌گذاران از امتیازاتی، چون جایزه و حق معرفی افراد نیازمند برای دریافت قرض الحسنه و... انگیزه‌های معنوی را نیز در آنها تقویت نمود.

۲/۱/۴- پایین بودن نرخ سود سپرده‌های بانکی

هم اکنون سود در بازار آزاد سرمایه، به مراتب بیشتر از سودی است که بانکها به سپرده‌گذاران می‌پردازند. این تفاوت آشکار سود، موجب می‌شود بسیاری از وجوه به جای اینکه جذب بانک شود، به سوی بازار سرازیر گردد. پایین بودن نرخ سود در بانکها می‌تواند به واسطه یکی از عوامل زیر باشد:

الف) پایین بودن نرخ سود دریافتی بانکها از دریافت‌کنندگان تسهیلات بانکها که به عنوان واسطه، سپرده‌های مردم را در قالب عقود شرعی به کار می‌گیرند، و به عنوان تسهیلات بانکی به متقاضیان اعطا می‌نمایند؛ به هنگام محاسبه سود، مبالغی از آن را مصالحه می‌نمایند، و از دریافت تمام سود صرف نظر می‌کنند؛ به عنوان مثال: در مشارکت مدنی ساختمان، پس از اتمام مراحل ساختمانی و قیمت‌گذاری ساختمان، بانک اقدام به فروش سهم خود

به صورت اقساطی می‌نماید؛ ولی تمام توجه بانک به مبلغی است که در این مشارکت به عنوان سهم بانک پرداخت گردیده، و مدت زمانی این مبلغ نزد شریک بانک (متقاضی تسهیلات) باقی خواهد ماند، تا به صورت اقساطی به بانک برگردد. در بیشتر مواقع، ارزش سهم بانک، بیشتر از میزانی است که به عنوان سود بر روی مبلغ اعطایی می‌آید، و سپس به طور اقساطی باز پرداخت می‌کند؛ ولی در بازار آزاد، سرمایه‌گذار به هیچ وجه از حق خود نمی‌گذرد و مصالحه‌ای صورت نمی‌گیرد، و با بهره‌مندی از تمام سود، قادر به پرداخت نرخ بالاتری از سود به صاحبان سرمایه (سپرده‌گذار) نیز می‌باشد. این روند در سایر عقود شرعی، همچون مضاربه، جعاله، اجاره به شرط تملیک، مزارعه و... نیز وجود دارد، و میزان سود بانک را تقلیل می‌دهد. البته ممکن است اشکال شود که این تخفیف موجب تشویق متقاضیان تسهیلات می‌گردد، و اگر این تخفیف داده نشود، احیاناً تقاضا برای تسهیلات کاهش می‌یابد، که باید گفت: اقدام بانک در این تخفیف، باید در حدی باشد که رقابت با بازار آزاد سرمایه حفظ شود، نه در حدی که حق صاحبان سپرده تضییع گردد.

محاسبه سود سپرده‌های کوتاه مدت در مرحله اول، پس از گذشت سه ماه متوالی از شروع سپرده‌گذاری در بانک آغاز می‌گردد، و به سپرده‌هایی که کمتر از این مدت در بانک مانده باشد، سودی تعلق نمی‌گیرد؛ و همچنین حداقل سپرده‌ای که در خلال این مدت در بانک مانده است، مورد محاسبه سود قرار می‌گیرد. در صورتی که محاسبه سود در بازار، از ابتدای سپرده‌گذاری آغاز می‌گردد، و به تمام مبلغ با محاسبه مدت زمانی که نزد سرمایه‌گذار می‌ماند، سود تعلق می‌گیرد.

علاوه بر اینکه ماندن سپرده به مدت سه ماه در سپرده‌های کوتاه مدت، و شش ماه یا یک سال در سپرده‌های بلند مدت، ملاک محاسبه سود، حداقل موجودی هر ماه می‌باشد؛ یعنی حداقل سپرده‌ای که از ابتدا تا انتهای ماه در دفتر سپرده باقی مانده است؛ بنابر این اگر روز دوم ماه، مبلغی به حساب واریز شود، و روز بیست و نهم ماه بعد، از حساب برداشت گردد، سودی بدان تعلق نمی‌گیرد، هر چند به مدت ۵۸ روز در بانک باقی مانده است؛ اما در محاسبه سود بازار، چنین شیوه‌ای اعمال نمی‌شود، و سپرده‌گذاران ترجیح می‌دهند با وجود امتیازات بانک و اعتبار آن، سپرده‌های خود را در بازار آزاد، سرمایه‌گذاری کنند.

ج) عامل دیگری که باعث کاهش سود سپرده‌های بانکی گردیده است، الزام بانکها به نگهداری در صدی از سپرده‌ها به عنوان ذخایر قانونی در بانک مرکزی، و یا به عنوان ذخایر احتیاطی است که عملاً از حجم سپرده‌هایی که جهت سودآوری به کار گرفته می‌شوند، کاسته شده؛ ولی در بازار تمام حجم سپرده به کار گرفته می‌شود و سود بالاتری به دست می‌آید.

پایین بودن نرخ سود سپرده‌های بانکی، می‌تواند پیامدهای ناگواری به همراه داشته باشد، که آنها را به طور اختصار بیان می‌نمایم:

۱- افزایش رباخواری

از آنجا که سپرده‌گذاران نمی‌توانند با سپرده‌گذاری در بانک به سود مورد نظرشان دست یابند، و برای تأمین سود، قادر به سرمایه‌گذاری مستقیم نیز نمی‌باشند، سپرده‌های خود را وارد بازار نموده، و چنانچه رباخواری آشکار برایشان میسر نباشد، برای دستیابی به سود تضمینی، به رباخواری مخفیانه دست می‌زنند، و حداقل در رعایت

جوانب شرعی و پرهیز از رباخواری بی تفاوت می‌گردند.

۲ - کاهش سپرده‌های بانکی

سپرده‌گذارانی که خود را موظف به رعایت جوانب شرعی می‌دانند، و نمی‌توانند سود مورد نظر خود را از بانکها دریافت نمایند، به سپرده‌گذاری در شرکت‌های مضاربه‌ای و ... - که غالباً در بخش خدمات مشغول می‌باشند، و طبیعتاً سود بالاتری نیز کسب می‌کنند - پرداخته، و عمده سپرده‌ها به جای سرازیر شدن به بانکها، در بازار جمع می‌گردد؛ در صورتی که اگر این سپرده‌ها به بانک سپرده شوند، ضمن استفاده و تخصیص در سرمایه‌گذاری مفید، دست دولت را برای اعمال سیاست‌های پولی بازتر ساخته، و در مواقع تورم و یارکود، برنامه‌ریزی، سریعتر و بهتر صورت می‌پذیرد. در حالی که تجمع مبالغ گزاف سپرده‌ها در شرکت‌های آزاد، چه بسا موجبات تورم را در جامعه افزایش دهد، و سود عمده را نصیب واسطه‌گران بازار سازد.

در پایان، توجه به این نکته ضروری است که می‌توان تفاوتی آشکار بین وجوه کلان و وجوه خرد در سپرده‌گذاری مشاهده نمود؛ زیرا دارندگان وجوه کلان، غالباً به واسطه اعتماد بیشتری که به بانکها دارند، ترجیح خواهند داد، علی‌رغم سود کمتری که بانک به آنان پرداخت می‌نماید، وجوه خود را به بانک بسپارند.

۲/۲ - مشکلات اعطای تسهیلات و اعتبارات

پاره‌ای از مشکلات جذب نقدینگی در بانکداری کنونی کشورمان، در اعطای تسهیلات و اعتبارات به چشم می‌خورد. این مشکلات عبارتند از:

۲/۲/۱ - صورت‌سازی تسهیلات در چهارچوب عقود اسلامی؛

۲/۲/۲ - افزایش هزینه تسهیلات؛
۲/۲/۳ - پیچیدگی و مراحل متعدد کار تسهیلات؛

۲/۲/۴ - ضرورت نظارت بر روند کار.

۲/۲/۱ - صورت‌سازی تسهیلات در چهارچوب عقود اسلامی

صرف نظر از تصور عمومی، مبنی بر عملکرد ربوی بانکها و باقی ماندن بر شیوه سابق، در حقیقت نیز آثار مشهودی از صورت‌سازی، و به تعبیر دیگر صورتی عمل کردن بانکها ظاهر گردیده است. در برخی از تسهیلات اعطایی بانکها، تنها نام عقد شرعی محفوظ مانده؛ اما از روح و واقعیت قانون و عقود خبری نیست، و فقط برای تصحیح فعالیتها و اعلام اجرای قانون عملیات بانکی، قراردادهایی در چهارچوب عقود شرعی به امضا می‌رسد، که رفتار بانک و دریافت کننده تسهیلات، به هیچ وجه مطابق آن نیست، و الزامی نیز بر عمل کردن مطابق آن وجود ندارد؛ به عنوان مثال: به منظور تعمیرات مسکن، از عقد جعاله استفاده می‌گردد. بر اساس این قرارداد، جاعل، صاحب مسکن و عامل، بانک می‌باشد. بانک می‌بایست خود به صورت مباشر و یا غیر مباشر، توسط کسی که به او این وظیفه را واگذار می‌کند، منزل فرد جاعل را تعمیر نماید؛ اما در بانکها هم اکنون جاعل و عامل، شخص واحدی است، و وظیفه عامل نیز به فرد صاحب ملک، سپرده می‌شود.

آنچه در روند اعطای اینگونه تسهیلات ملاحظه می‌شود، فرار از اعلام نرخ مشخص بهره برای مبلغی که برای تعمیرات پرداخت گردیده، می‌باشد؛ اما از قصد جدی برای اجرای عقد جعاله و پایبندی به لوازم آن به طور کلی خبری نیست.

از این فراتر، گاهی مشاهده می‌شود که در قالب عقد جعاله، تسهیلات به کسانی پرداخت می‌گردد که یا اصلاً واجد منزل مسکونی نیستند، و یا منزل آنان نیاز به هیچ‌گونه تعمیری ندارد، و یا اگر تعمیری هم نیاز دارد، گیرنده تسهیلات، پول را برای مصارف دیگری دریافت می‌دارد، و حتی به جای عامل (بانک) نیز اقدام به تعمیر نمی‌نماید. حتی گاهی شخص به انگیزه تعمیرات، تسهیلاتی دریافت می‌کند؛ اما بعداً از آن منصرف می‌گردد.

در تمام موارد مذکور، در صورت علم بانک به واقعیت امر، جعاله باطل است، و بانک استحقاق ندارد مبلغی را که به صورت اقساطی از طرف جاعل (صاحب مسکن) پرداخت می‌گردد، دریافت نماید، و تنهایی تواند اصل پولی را که برای انجام تعمیرات به جاعل پرداخت نموده، مطالبه نماید؛ و جاعل (در یافت کننده تسهیلات) نیز حق هیچ‌گونه تصرفی در مبلغ دریافتی را ندارد؛ البته در آخرین صورتی که ذکر شد، اعطای تسهیلات بلامانع بوده؛ ولی جاعل اجازه تصرف در آن مبلغ را ندارد. همچنین صورت‌سازی بانکها در شیوه محاسبه سود نیز مشکلاتی ایجاد می‌کند؛ مثلاً: در مشارکت مدنی و فروش اقساطی مسکن، معمولاً قیمت‌گذار بیهوا واقعی نیست؛ زیرا هدف، تنها دریافت اصل مبلغ پرداخت شده و سود مورد نظر، در چهارچوب قرارداد است.

با اندک تأملی در نحوه انعقاد قرارداد بانک با متقاضیان، این مطلب بوضوح روشن می‌گردد که بانک به هر شکل ممکن، خود را فقط در سود شریک نموده، و زیان را به عهده مشتری وامی‌گذارد، و یا وارد معاملات و قراردادهایی می‌گردد که احتمال زیان صفر است (در این مورد به جدول شماره چهار توجه کنید).

سؤال: آیا بانک تعهدی در مقابل زیانهای احتمالی نموده است یا نه؟

جدول شماره ۴

شهر	خیر	بلی	بدون پاسخ	کل
۱- تهران	۳۶		۸	۴۴
۲- مشهد	۱۰		۳	۱۳
۳- تبریز	۸	۱	۲	۱۱
۴- قم	۹			۹
۵- ارومیه	۸			۸
۶- اصفهان	۷			۷
۷- یزد	۶		۱	۷
۸- گرگان	۵		۱	۶
۹- اراک	۴			۴
کل	۹۳	۱	۱۵	۱۰۹

بر اساس نتایج آمار به دست آمده، از ۱۰۹ نفر پاسخ دهنده پرسشنامه در ارتباط با سؤال فوق، ۹۳ نفر در برابر زیانهای احتمالی، بانک را بدون تعهد دانسته‌اند، که نتیجه آن تحمیل این زیانها به دریافت کنندگان تسهیلات است.

لازم به ذکر است که یکی از مشخصه‌های بانکداری بدون ربا، عدم پرداخت سود معین و یا دریافت آن از متقاضیان می‌باشد؛ ولی بانکداری کنونی در این جهت حرکت ننموده، و در قراردادهایی که طرفین (بانک و متقاضی تسهیلات) باید در سود و زیان شریک باشند، تنها بانک در سود شریک می‌گردد، و با صورتسازي و ضمیمه نمودن قراردادها و یا تعهداتی دیگر، زیان را از دوش خود برمی‌دارد، که این عمل باعث تصور ربوی بودن معاملات، و بعضاً باعث بطلان معاملات می‌گردد.

صورتسازي تسهیلات، در قالب سایر عقود اسلامی، همچون مضاربه و فروش اقساطی و... نیز به صورتی چشمگیر ملاحظه می‌گردد؛ به عنوان مثال: در مورد مضاربه، بانکها به گونه‌ای با متقاضیان

قرارداد می‌بندند، که تنها در سود آن سهیم گردند و زیان متوجه متقاضی گردد؛ و در محاسبه میزان سود نیز درصد مشخصی را از ابتدا در نظر می‌گیرند، که در پایان عمل مضاربه، به همراه اصل مبلغ اعطایی، از متقاضی دریافت می‌کنند، و مطالبه فاکتورهای خرید و فروش از آنان، چیزی نیست جز صحنه‌سازی و صورتسازي در قالب این عقد. از نظر جمع بندی نظر پاسخ دهندگان که خود از کارگزاران بانک می‌باشند، این نکته مشهود است که اکثر فاکتورها صوری بوده، و بدون انجام هرگونه معامله‌ای صادر شده‌اند، و کارگزاران و مسئولین بانک به این امر توجهی نمی‌نمایند.

در قرارداد فروش اقساطی، از آنجا که بانک، خرید کالاها را به خود متقاضیان واگذار می‌نماید، و آنان از طرف بانک، کالاها را خریداری نموده و سپس به خودشان می‌فروشند، امکان صورتسازي و جعل فاکتور بسیار زیاد است.

۲/۲/۲ - افزایش هزینه تسهیلات

هزینه‌هایی که دریافت کنندگان تسهیلات در بانکداری بدون ربامی‌پردازند، به شرح ذیل است:

- ۱- هزینه سود؛
- ۲- هزینه‌های ثبتی؛
- ۳- هزینه‌های ارزیابی و کارشناسی؛
- ۴- هزینه وثیقه‌ها؛
- ۵- هزینه‌های بیمه؛
- ۶- هزینه مالیاتی؛
- ۷- هزینه فرصت مناسب.

۱- هزینه سود

در بانکداری کنونی، همه تسهیلات بانکی بجز تسهیلاتی که در قالب قرض الحسنه پرداخت می‌گردد، دارای هزینه‌ای به نام سود می‌باشد. بانکها در ازای تسهیلاتی که در اختیار

متقاضیان قرار می‌دهند، بر اساس نرخ مشخصی، مبلغی به عنوان سود (نقداً و یا طی اقساط مشخصی) از آنان دریافت می‌نمایند، که این مبلغ در بانکداری ربوی نیز تحت عنوان بهره، با مکانیزم خاصی از دریافت کنندگان تسهیلات، دریافت می‌گردد.

میزان سودی که در بانکداری کنونی دریافت می‌گردد، در مقایسه با بهره‌ای که متقاضیان تسهیلات در بانکداری ربوی پرداخت می‌نمایند، تفاوت چشمگیری ننموده، و دریافت کنندگان تسهیلات، از پرداخت سود و میزان آن، ابراز نگرانی نمی‌کنند. در کنار این هزینه، تنها هزینه‌های جنبی از جهت قانونی و احکام ویژه اسلامی قابل توجه و بررسی می‌باشند و در بخش راه حلها، بتفصیل درباره آن بحث می‌گردد.

هزینه‌هایی، همانند هزینه خسارت تأخیر تأدیه، یا خسارت عدم ایفای تعهد - که به هنگام تأخیر در پرداخت اقساط و یا تأخیر و یا عاجز شدن از تحویل کالا در معاملات سلف، که دریافت کنندگان تسهیلات، ملزم به پرداخت آن به بانک می‌شوند - از جمله هزینه‌هایی است که در سبب هزینه سود تسهیلات منظور می‌گردند، و علاوه بر سود توافق شده، در صورت تأخیر و مانند آن باید این هزینه‌ها به سود بانکها افزوده گردند. البته باید توجه داشت که این هزینه‌ها و یا مشابه آن، در بانکداری ربوی نیز وجود دارد، و منظور از ذکر آنها در این بخش، صرفاً توجه به اقسام هزینه‌های بانکداری موجود می‌باشد.

۲- هزینه‌های ثبتی

در مواردی که اخذ تسهیلات با دفاتر اسناد رسمی ارتباط پیدا می‌کند، و این امر در دستورالعملهای اجرایی بانکها الزامی قلمداد گشته، متقاضی تسهیلات، هزینه

قابل ملاحظه‌ای (به منظور ثبت قرارداد) به دفاتر ثبت می‌پردازد، که هم‌اکنون هزینه‌ای معادل سی در هزار از کل مبلغ دریافتی و یا جنس تحویلی، به عنوان حق‌الثبت، از دریافت‌کننده تسهیلات اخذ می‌گردد؛ و معمولاً با توجه به مبالغ کلان تسهیلات، رقم بالایی را تشکیل می‌دهند.

۳- هزینه‌های ارزیابی و کارشناسی

بانکداری بدون ربا به دلیل وظیفه واسطه‌گری و وکالتی که از ناحیه سپرده‌گذاران، در به کارگیری سپرده آنان در قالب عقود اسلامی دارد، به طور طبیعی در بخش حقیقی اقتصاد وارد می‌شود، و به منظور انتخاب پروژه‌های سودآور و مفید، و همچنین اعطای تسهیلات به کسانی که اطمینان بیشتری به کارآیی آنها وجود دارد، نیازمند به کارشناس و متخصصان زیادی است، تا ضمن شناسایی پروژه‌های مفید و سودآور، پروژه‌هایی را هم که برای آنها تقاضای تسهیلات شده، مورد ارزیابی قرار دهند.

ارزیابیها در زمانهای مختلف و در پروژه‌های متفاوت صورت می‌پذیرند، و هزینه‌هایی را برای بانک به همراه دارند، که این هزینه‌ها غالباً به دریافت‌کنندگان تسهیلات تحمیل می‌گردد، و سبب هزینه تسهیلات آنان را سنگین‌تر می‌کند؛ به عنوان مثال: به منظور انعقاد قرارداد مشارکت مدنی، و اعطای تسهیلات لازم جهت اتمام ساختمان، هم‌اکنون برای ارزیابی و تعیین سهم بانک و میزان آورده متقاضی، در چند نوبت کارشناسان بانک به محل ساختمان مراجعه نموده، و هزینه‌هایی را از متقاضیان تسهیلات مطالبه می‌نمایند؛ این روند در هنگام فروش اقساطی نیز ادامه دارد. در صورتی که بانکداری ربوی، تسهیلات لازم را بدون هیچ‌گونه شرط و یا نظارتی در

اختیار متقاضی گذارده، و چنانچه پروژه مورد نظر متقاضی، نیاز به کارشناسی و یا ارزیابی داشته باشد، با هزینه کمتر و توسط خود متقاضی یا کارشناسان غیر بانکی، ارزیابی می‌گردد.

با توجه به مطالب فوق، هزینه ارزیابی و کارشناسی در بانکداری بدون ربا، به مراتب بالاتر از اینگونه هزینه‌ها در بانکداری ربوی می‌باشد.

۴- هزینه وثیقه‌ها

ازای اعطای تسهیلات، به دلیل اطمینان از بازپرداخت آنها و امکان اقدامات قانونی به استناد اسناد رسمی، وثیقه‌ای از متقاضیان دریافت می‌گردد.

در بانکداری بدون ربا هم، اکنون وثیقه به چند صورت دریافت می‌گردد:

الف) چک؛

ب) سفته؛

ج) اشیای منقول یا غیر منقول.

ثبت وثیقه‌ها دارای هزینه‌های سنگینی است، که تماماً از متقاضیان تسهیلات دریافت می‌گردد؛ به عنوان مثال: در پایان دوره مشارکت مدنی ساختمان، پس از فروش اقساطی سهم بانک به متقاضی (صاحب مسکن)، آن مسکن باید به عنوان رهن در گرو بانک باقی بماند، و یا در معاملات سلف، وثیقه‌ای که با سند رسمی در گرو بانک به ثبت رسیده، تا زمان پرداخت تمام بدهی نزد بانک باقی می‌ماند، در صورتی که در بانکداری ربوی، در قبال وام، تنها سند ضمانتی دریافت می‌گردد، و در موارد نادری، ملک و یا چیز دیگری در گرو بانک به ثبت می‌رسد، و در نتیجه متقاضیان تسهیلات، هزینه کمتری می‌پردازند.

۵- هزینه‌های بیمه

در تمام قراردادهایی که در بانکداری

کنونی به امضا می‌رسد، و تسهیلات به صورت کالا و یا اعیان خارجی تحویل متقاضی می‌گردد، و همچنین در قراردادهایی که متقاضی باید کالایی را تحویل بانک دهد، آن کالا و یا شیئی خارجی را به نفع خود بیمه می‌نماید، و هزینه بیمه به عهده متقاضی می‌باشد.

هر چند بیمه به دلیل فواید و محسناتی که داراست، مقبولیت عمومی داشته و اغلب افراد، کالاها و اشیای خارجی و... خود را بیمه می‌نمایند؛ ولی این هزینه در بانکداری کنونی بر هزینه تسهیلات افزوده گردیده، و کالا و آن شیء خارجی به نفع بانک و به انتخاب آن بیمه می‌گردد، و فرد متقاضی تسهیلات، هیچ‌گونه اختیاری در انتخاب و اعمال سلیقه ندارد.

علاوه بر هزینه بیمه، در پاره‌ای از قراردادهای کالا و یا شیئی خارجی به وثیقه نهاده می‌شود، متقاضی ملزم به بیمه کردن آن به نفع بانک می‌گردد، که هزینه‌ای اضافی برای او خواهد داشت.

۶- هزینه مالیاتی

هزینه مالیات و عوارض، از زمره هزینه‌هایی است که به هر حال افراد به هنگام نقل و انتقال (املاک؟ یا...)، به دولت و یا شهرداری‌ها می‌پردازند؛ و از آنجا که گاهی این نقل و انتقالها در رابطه با بانک صورت می‌گیرد، این هزینه‌ها نیز پرداخت می‌شود؛ ولی روند کنونی اعطای تسهیلات در بانکهای کشور، بعضاً موجب تعدد مراحل نقل و انتقال افزوده شدن بر هزینه‌های مالیاتی گردیده است؛ به عنوان مثال: کالاهایی که از خارج به نام بانک خریداری می‌گردد، و در گمرکات کشور، عوارض و مالیات آن توسط بانک پرداخت می‌شود، پس از انتقال به متقاضیان نیز این هزینه‌ها تکرار گشته، و مجموعاً همه هزینه‌ها از آنان گرفته

می شود.

۲/۲/۳- پیچیدگی و مراحل

متعدد کار تسهیلات

در بانکداری ربوی، تسهیلات فقط در چهارچوب وام پرداخت می‌گردد، و قرارداد دیگری برای دستیابی به وجوه مورد نیاز، در هر بخش وجود ندارد، و بر این اساس، تسهیلات بسادگی تقاضا شده، و بدون فوت وقت و لزوم نداشتن انعقاد قراردادهای متعدد، در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد. در صورتی که در بانکداری کنونی برای دستیابی به تسهیلات در یک بخش، مراحل متعددی باید طی شود، و قراردادهایی به امضا برسد، تا این امر، با ضوابط شرعی تطبیق کند.

در روند کلی اعطای تسهیلات، پیچیدگی، سر درگمی، معطلی و احیاناً رابطه بازی مشاهده می‌شود.

پیچیدگی و تعدد مراحل اعطای تسهیلات، و بویژه نداشتن آزادی کامل در تصرف دلخواه و نظارت بانکها و یا مشارکت آنان در پروژه‌ها نیز، باعث کاهش درخواست تسهیلات از بانکها - علی‌الخصوص در مورد متقاضیان پایبند به ضوابط شرعی - است. کمبود اطلاعات و آشنایی محدود متقاضیان تسهیلات نیز می‌تواند بر پیچیدگی امور و لزوم گذراندن مراحل مختلف، جهت دستیابی به تسهیلات، مورد نظر باشد که پاسخ پژوهش خوانندگان پرسشنامه نیز مؤید آن است.

سؤال: به نظر شما در قالب کدام یک از عقود اسلامی می‌توان بهتر و بیشتر از تسهیلات بانکی بهره‌مند گردید؟

جدول شماره ۵

تعداد	نوع تسهیلات
۵۱	۱- بدون اطلاع
۲	۲- هیچ کدام، و همه عقود اسلامی
۱۸	به ضرر مردم است.

۷- هزینه فرصت مناسب «ناآشکار»

معمولاً اعطای تسهیلات در بانکداری کنونی، در مدت زمان نسبتاً طولانی و طی مقدمات و تشریفات وقت‌گیر، انجام می‌پذیرد.

تشریفات، همانند ثبت در دفاتر رسمی، و انعقاد قراردادهای متوالی برای دستیابی به تسهیلات، و معطلی جهت اعزام کارشناسان بانکی برای ارزیابی پروژه‌ها، وقت زیادی از متقاضیان را به خود اختصاص می‌دهد، و تلاش فراوانی برای پی‌گیری امور مربوطه و دستیابی به تسهیلات می‌طلبد، که این عوامل، خود به خود موجب از دست دادن فرصتهای مناسبی می‌گردد، که متقاضیان می‌توانستند در مسیرهای دیگری صرف نموده، و احیاناً به منافع بیشتری دست یابند.

همچنین بانکها به دلیل ارتباط تنگاتنگ با سایر ارگانهای کشور، به عنوان اهرمهایی برای وصول مطالبات آنان تلقی گردیده‌اند، و جوهی، همانند مالیاتها و عوارض معوقه و... به هنگام دریافت تسهیلات از بانک، الزاماً باید توسط متقاضیان پرداخت گردند، که در حالت عادی چنانچه از بانک تسهیلات گرفته نمی‌شد، تا مدت زمانی ملزم به پرداخت آن وجوه نبودند.

الزام به پرداخت این وجوه که می‌تواند تا مدتی به تأخیر افتد، این فرصت را که متقاضیان بتوانند از وجوه مذکور در موارد دلخواه استفاده کنند، از آنها سلب می‌کند، و هزینه فرصت مناسب متقاضیان، با این روند افزایش می‌یابد. بر اساس آمار به دست آمده، عده زیادی مشکل دریافت اعتبار در بانکداری کنونی را طولانی بودن مراحل آن دانسته‌اند.

۱۴	۳- قرض الحسنه
۱۲	۴- مضاربه
۶	۵- فروش اقساطی
۵	۶- عقود با نرخ سود پایین
۲	۷- بدون تفاوت
۲	۸- سلف
۲	۹- عقود بلند مدت
۱	۱۰- مشارکت مدنی
۱۱۳	کل

۲/۲/۴- ضرورت نظارت بر روندکار

روند اعطای تسهیلات در بانکداری کنونی، نیازمند نظارت جدی و پیگیری، در اجرای صحیح و جلوگیری از سوء استفاده‌ها و تخلفات می‌باشد.

بانکها به منظور اطمینان از حصول سود مورد انتظار، و برای پاسخگویی به سپرده‌گذاران، تسهیلاتی را اعطای نمایند که سود قطعی آنها معلوم نبوده، و یا اطمینانی به موفق بودن پروژه‌هایی که جهت آنها تسهیلات اعطا گردیده است، وجود ندارد؛ لذا باگماردن کارشناسان و ناظران، روند پیشرفت کار پروژه‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، و از حیث و میل و یا استفاده‌های نامشروع جلوگیری می‌گردد.

روند نظارت در بانکداری کنونی بسیار ضعیف و ناکافی است، و به دلیل عدم اهتمام در امر نظارت، بانکداری موجود شیوه‌هایی را اتخاذ نموده، تا بدون نیاز به نظارت، سود مورد نظر برای بانکها حاصل گردد، که در نتیجه، این تصور را در ذهنها به وجود آورده، که نظام بانکداری کنونی، همان نظام ربوی سابق است، با این تفاوت که اسمها و قالبها تغییر نموده است. به جدول و نتایج به دست آمده از پرسشنامه ذیل توجه فرمایید:

سؤال: نحوه نظارت بانک، جهت حسن اجرای قرار داد.

* توضیح اینکه ستون سائر، مربوط به پژوهش خواندگانی می‌شود که یا از تسهیلات بانکی استفاده نکرده‌اند، و یا اینکه جواب مشخصی در این مورد نداده‌اند.

تعدادی از رؤسای بانکها، عدم امکان نظارت و کمبود کارشناس را از دشواریهای بانک شمرده‌اند، و نظارت کامل بر عقود را جهت اجرای کامل قوانین بانکداری پیشنهاد نموده‌اند.

۳- مشکلات دیگر

بانکداری کنونی در جمهوری اسلامی ایران، با مشکلات دیگری نیز مواجه است؛ همانند دولتی بودن بانکها، رقابت ناسالم بین بانکها، عدم هماهنگی آیین‌نامه‌های داخلی بانکها با یکدیگر، نیازمندی به کادر وسیع اداری، پرداخت سوبسید و ...

راه حلها

در این بخش، راه‌حلهایی ارائه می‌گردد که ناظر بر مشکلات بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی، در مقایسه با بانکداری ربوی است.

۱- آموزش بانکداری

قانون عملیات بانکداری، شیوه بانکداری جدیدی را ارائه نموده، که جامعه اسلامی

ما با آن آشنا نبود، و برای اجرای قوانین بانکداری، آمادگی کافی را کسب نکرده بود.

قدم نخست در بانکداری بدون ربا، حذف بهره از تمام فعالیت‌های بانکی بود که این خود نیاز به دقت و آشنایی با قوانین و وجود انگیزه کافی در مجریان و... دارد. در روایات اسلامی، تأکید فراوانی از سوی ائمه اطهار(ع) بر این امر صورت گرفته است. امیرمؤمنان علی-علیه‌السلام- فعالیت‌های ربوی را به حرکت مورچه‌ای تشبیه فرموده‌اند، که بدون صدا در شبی تار بر روی سنگی سیاه حرکت می‌کند، و از دید افراد، دور بوده و کسی از حرکت آن مطلع نمی‌شود. ربا نیز از حساسیتی برخوردار است که بدون آموزش و آشنایی با احکام فقهی تجارت و داد و ستد، امکان دارد برای مصون ماندن از ربوی شدن معاملات و پرهیز از آثار زبانباری که ربا در زندگی افراد می‌گذارد، امیرالمؤمنین مکرراً می‌فرمودند: «ایها الناس الفقه ثم المتجر»؛ ابتدا آشنایی با قوانین بازرگانی و تجارت، و سپس شروع به فعالیت اقتصادی.

البته باید ضمن بهره‌مندی از سیستم بانکداری بدون ربا، به گونه‌ای از قراردادها و قوانین اسلامی استفاده نماییم، که نیاز به آموزش کمتری داشته باشد، و راه سوء استفاده و تخلف از قانون به صورتی مسدود گردد.

بر این اساس، ضرورت آموزش کافی به کارگزاران بانک و ارباب رجوع بدیهی می‌نماید. در پرتو این آموزشها، ماهیت بانکداری اسلامی بر مردم و کارگزاران مشخص می‌شود، و دینداران نیز با اطمینان خاطر می‌توانند با بانک همکاری کنند. آموزش کارگزاران بانک در قالب کلاسهای خاص، و برای عموم مردم از طریق رسانه‌های عمومی راهگشاست.

۲- ساده سازی فعالیت‌های بانکی

پیچیدگی و تعدد کارهایی که بانکها موظف به انجام آن می‌باشند، عاملی برای بی‌دقتی و عدم مبالات در رعایت جوانب شرعی و قانونی است، که با کاستن از امور محوله و وظایف پیچیده، می‌توان بسیاری از مشکلات را حل نمود.

به منظور تسهیل فعالیت‌های بانکی و بازدهی مطلوب، پیشنهاد می‌گردد، به جای دوازده نوع قراردادی که هم اکنون در بانکها استفاده می‌شود، از قراردادهای کمتری استفاده شود، بویژه از قراردادهایی که نیاز به نظارت کمتر و احیاناً سود دهی مشخصی دارند. بر این اساس، از قراردادهایی، همانند ۱- مشارکت مدنی؛ ۲- مضاربه؛ ۳- مزارعه؛ ۴- مساقات؛ ۵- جعاله، استفاده نگردد، تا بسیاری از مشکلاتی که غالباً در ارتباط با قراردادهای مذکور در نظام بانکی پدید آمده، مرتفع گردد، و گیرندگان اعتبار نیز آسانتر به تسهیلات مورد نظرشان دست یابند.

تقلیل قراردادهای مورد استفاده بانک به قراردادهای:

- ۱- قرض الحسنه؛
- ۲- معاملات سلف؛
- ۳- فروش اقساطی؛
- ۴- اجاره به شرط تملیک؛
- ۵- خرید دین؛
- ۶- سرمایه‌گذاری؛
- ۷- خرید سهام.

مهمترین مشکلات اجرایی بانکداری کنونی را حل می‌نماید، که به بیان پاره‌ای از آنها می‌پردازیم:

الف) تقلیل قراردادهای باعث کاهش نیاز بانکها به نظارت بر پروژه‌ها و تسهیلات اعطایی می‌گردد، و در نتیجه، ناتوانی بانکها در نظارت کافی و مستمر جبران می‌گردد.

ب) با این پیشنهاد، دریافت کنندگان تسهیلات محدودیتی در به کارگیری تسهیلات نخواهند داشت، و همانند تسهیلاتی که از بانکهای ربوی دریافت می نمودند، با آزادی کامل می توانند جهت رفع نیازهای مالی خود از تسهیلات استفاده نمایند؛ و تنها ممکن است محدودیت در قرارداد اجاره به شرط تملیک بروز نماید، که از این قرارداد می توان کمتر استفاده نمود.

ج) برخی از قراردادهای بانکی، همانند قرارداد فروش اقساطی، خرید دین و قرض الحسنه، از انعطاف بیشتری برخوردارند، و در بسیاری از نیازها قابل به کارگیری می باشند. انعطاف و قابلیت زیاد این عقود، کار را برای متقاضیان تسهیلات ساده نموده، و آنان با قراردادهای پیچیده و نامأنوس مواجه نخواهند شد؛ زیرا این قراردادها بسیار شبیه قرارداد وام در نظام ربوی هستند، و محاسبه سود در آنها نیز ساده تر میسر می گردد.

د) عدم به کارگیری قراردادهایی، مانند جعاله، مضاربه و مشارکت مدنی در بانکها، مشکل صوری بودن برخی از عملیات بانکی را حل می نماید، و قراردادها به صورت واقعی و در قالب عقود شرعی تحقق پیدا می کنند؛ مثلاً: در قرارداد جعاله به منظور اعطای تسهیلات و رعایت پرداخت این گروه از تسهیلات در قالب عقد شرعی جعاله، از آن جهت که بانک قادر به انجام وظایف محوله، به عنوان عامل در جعاله نبوده، این وظایف را محول به جاعل (گیرنده تسهیلات) می نماید، که در اغلب مواقع این وظایف انجام نمی گیرد، و یا مطابق با قرارداد و اصول شرعی صورت نمی پذیرد؛ ولی در قراردادهای پیشنهادی، دست بانک و دریافت کنندگان تسهیلات، جهت اعطا و به کارگیری و جوه باز است، و از نظر

اصول شرعی محدودیتی در پرداخت و یا مصرف برای آنان وجود ندارد؛ زیرا گیرنده با دریافت تسهیلات، مالک آن می گردد و در تمام تصرفات اجازه کافی دارد. البته لازم به تذکر است که دستورالعمل اجرایی کنونی، در بعضی از مراحل دست و پاگیر است، که باید تغییری در آن داده شود.

۳- فعال نمودن بازار

اوراق شرکتهای حقوقی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می تواند، همانند بازار بورس سهام، اجازه انتشار اوراق و گواهیهای شرکتهای حقوقی، همانند شرکتهای مشارکت مدنی، شرکتهای مضاربه ای، معاملات سلف، فروش اقساطی و شرکتهای اجاره به شرط تملیک را صادر نماید.

تأسیس شرکتهای مزبور توسط بخش غیر دولتی و غیر بانکی و نظارت بانک مرکزی بر آنها، و همچنین الزام این شرکتهای جهت تأمین عمده منابع مالی خود از طریق بانکها، این امکان را به بانکها می دهد، تا با خیال آسوده به اعطای تسهیلات مورد نظر خویش پردازند، و در جذب سپرده های مردم نیز خللی وارد نیاید.

الزام این شرکتهای برای نگهداری و جوه خود در بانکها، و همچنین تأمین بیشتر منابع مالی مورد نیازشان از بانکها و انعقاد قرارداد با بانک، علاوه بر عدم کاهش سپرده های بانکی، اهرم کنترل حجم پول را نیز از دست بانکها خارج نمی نماید. این شرکتهای با صدور چک، منابع خود را از بانک خارج می کنند و سند و جوهی که به بانک سپرده اند نیز در دسترس می باشد. نظارت بانک مرکزی در شناسایی و ملاحظه فعالیتها، نوع معاملات آنان را ساده تر می سازد، و از طرف دیگر بر اعتبار این شرکتهای افزوده و بیش از پیش رواج

خواهند یافت؛ و در نتیجه ضمن منافی که برای اقتصاد کشور دارند، از مشکلات بانکداری نیز کاسته می شود، و بانکها الزامی در انعقاد اینگونه قراردادها به صورت مستقیم ندارند، و وجوه خود را در جهت خرید اوراق این شرکتهای مصرف می نمایند. البته لازم به توجه است که سایر نیازهای اقتصادی جامعه که این شرکتهای جهت تأمین آن اهتمامی نمی کنند، می تواند توسط بانکها ضمن قراردادهای مورد پذیرش بانک تأمین گردد.

۴- ایجاد انگیزه سپرده گذاری در بانکها

امروز بانکها با تبلیغات جوایز بانکی، سعی در جذب سپرده های قرض الحسنه دارند. این شیوه هر چند حجم زیادی از منابع مالی را به طرف بانکها سرازیر می کند؛ ولی بعد دیگر موضوع؛ یعنی قرض الحسنه دادن، بر پایه انگیزه های معنوی را مورد غفلت قرار داده است. این بدان معنا نیست که اعلام جوایز برای حسابهای قرض الحسنه (پس انداز)، امری خلاف قانون و شرع است، بلکه ایجاد انگیزه مادی و دست یافتن به جوایز، نمی تواند همه هدفهای بانکداری بدون ربا جهت سپرده گذاری قرض الحسنه را تأمین نماید.

بعلاوه، تبلیغاتی اینچنینی پر سر و صدا و گسترده برای به دست آوردن شانس برنده شدن، با انتظاراتی که از جامعه اسلامی می رود ناهمگون است؛ این تبلیغات، حسرت آفرین، غفلتزا و قناعت سوزند؛ ولی اگر در مسیر تبیین اجر اخروی قرض الحسنه، احسان به زیر دست و احیای روح تعاون قرار گیرند، تبلیغاتی سودمند، درس آموز و خداپسند خواهند شد.

۵ - افزایش میزان تسهیلات قرض الحسنه

در حال حاضر، بانکها می‌توانند به میزان ۱۰٪ مجموع تسهیلات قرض الحسنه اعطا کنند. چنانچه میزان تسهیلات قرض الحسنه افزایش یابد، مثلاً: ۸۰٪ از کل سپرده‌ها به قرض الحسنه اختصاص داده شود، ضمن جلب اطمینان سپرده‌گذاران، مبنی بر به‌کارگیری سپرده‌هایشان در مسیر قرض الحسنه، این تسهیلات افزایش چشمگیری پیدا می‌کند، و مردم آثار سپرده‌گذاری خود را به طور مشهود ملاحظه می‌کنند، و انگیزه بیشتری جهت سپرده‌گذاری مجدد پیدا خواهند نمود.

۶ - اجازة معرفی مستمندان به بانک

یکی از عواملی که انگیزه سپرده‌گذاری قرض الحسنه را قوت می‌بخشد این است، که اجازه داده شود توسط سپرده‌گذاران افرادی به منظور دریافت تسهیلات قرض الحسنه، به بانک معرفی می‌شوند.

اگر مردم بانکها را با این چشم‌بنگرند که واسطه‌هایی جهت رساندن سپرده‌هایشان به دست نیازمندان می‌باشند، و این اجازه نیز به آنها داده شود که چنین افرادی را به بانک معرفی کنند، ما شاهد رغبت بیشتری در جهت سپرده‌گذاری خواهیم بود.

۷ - جبران کاهش ارزش پول

عامل مهمی که در دهه اخیر از تداوم قرض الحسنه بین مردم کاسته است، پدیده تورم و کاهش ارزش پول در طی زمان است.

برای جبران کاهش ارزش پول، راههای متعددی ارائه گردیده است که هرکدام دارای محاسنات و یا مشکلاتی حقوقی است، و ما به دو نمونه از آنها که

مشکل کمتری دارد، و تعداد بیشتری از فقها و دانشمندان اسلامی با آن موافقت اشاره می‌کنیم:

الف) قرض الحسنه به صورت نقدی پرداخت نگردد. ابتدا مبلغی که به عنوان قرض الحسنه باید پرداخت شود، به کالایی که می‌تواند به آسانی نقد گردد و قیمت آن از نوسان کمتری برخوردار می‌باشد تبدیل شود، و آن کالا قرض داده شود؛ و پس از زمان مورد نظر، مجدداً آن کالا به صاحبش تحویل گردد.

ب) کاهش ارزش پول، توسط بانک مرکزی مطابق با نرخ تورم برای سپرده‌گذاران قرض الحسنه جبران شود، و دقیقاً برای مردم تبیین گردد که این درصد اضافه، بهره و یا سود بانکی نیست، بلکه جهت جبران کاهش قدرت خرید پول به آنان پرداخت شده است.

ب) ایجاد انگیزه جهت سپرده‌ سرمایه‌گذاری

برای ایجاد انگیزه بیشتر جهت سپرده‌ سرمایه‌گذاری، پیشنهاد می‌گردد این سپرده‌ها به دو دسته کلی تقسیم شوند:

۱- سپرده‌هایی که در تسهیلات با ریسک کم و سود کمتر به کار گرفته می‌شوند: بانکها می‌توانند سپرده این گروه از افراد را که ریسک پذیر نبوده و به سود کمتری قانع می‌باشند، در تسهیلاتی، مانند فروش اقساطی، معاملات سلف، اجاره به شرط تملیک و خرید دین استفاده نمایند؛ زیرا این قراردادها به طور طبیعی از ریسک کمتری برخوردارند، و درصد سود آنها تقریباً ثابت و معین است؛ چون درصد سودشان می‌تواند با درصدی از کل مبلغ مورد معامله محاسبه شود. و همچنین غالباً در تسهیلات کوتاه مدت به کار گرفته می‌شوند، و در مدت کمتری سود به همراه اصل سپرده بازپرداخت می‌گردد.

۲- سپرده‌هایی که در تسهیلات با ریسک زیاد و سود بالاتر به کار گرفته می‌شوند: سپرده کسانی که جرأت ریسک در سرمایه و یا سود خود را دارند، می‌تواند توسط بانکها در سرمایه‌گذاری مستقیم و یا خرید سهام شرکت‌های حقوقی و مضاربه‌ای و ... به کار گرفته شود. در اینگونه تسهیلات که معمولاً بلند مدت و دارای سود بالاتری هستند، می‌توان از سپرده افراد ریسک پذیر استفاده نمود، و بدون ایجاد تصور ربوی بودن فعالیت‌های بانکی، به سرمایه‌گذاری پرداخت، و سپس سود حاصله را بین سپرده‌گذاران و بانک توزیع کرد.

در ضمن، بانکها می‌توانند در ایجاد انگیزه سپرده‌گذاری برای این نوع از سپرده‌ها، برخی از سپرده‌های کلان را به صورت غیر مشاع و مجزا در سرمایه‌گذاران به کار گیرند، و یا به پروژه‌های معینی که سپرده‌گذاران معین می‌کنند، تخصیص دهند.

در این نوع از سپرده‌گذاری معمولاً ضریب سود، بیشتر و ریسک آن نیز بالاتر خواهد بود؛ ولی از آنجا که ورود بانک به بخش حقیقی اقتصاد، ملموس‌تر و محسوس‌تر می‌باشد، رقابت بانک با بازار آزاد جدی‌تر، و اطمینان افراد با ایمان به بانک بیشتر می‌گردد.

ج) ایجاد انگیزه برای سپرده جاری

سپرده‌های جاری به عنوان قرض الحسنه به بانک سپرده می‌شوند، و هیچ‌گونه سودی برای آنها در نظر گرفته نمی‌شود؛ تنها صاحبان سپرده از امتیازهای حساب جاری (چک، نقل و انتقال و جوه و ...) بهره‌مند می‌شوند، در صورتی که در بسیاری از بانکهای ربوی، به این نوع از سپرده‌ها نیز بهره پرداخت می‌نمایند.

به منظور ایجاد انگیزه بیشتر در جهت سپرده‌گذاری در بانکها و جذب نقدینگی

توسط بانک، پیشنهاد می‌گردد سپرده‌های جاری از صورت قرض الحسنه خارج گردد، و به عنوان حساب سپرده سرمایه‌گذاری جاری قلمداد شود.

بانکها می‌توانند سپرده‌های جاری را در خرید سهام شرکت‌های حقوقی، مدنی، مضاربه‌ای، و... (که قبلاً اشاره شد) صرف نمایند، و یا وجوه سپرده را صرف خرید اوراق بازار بورس کنند، و به هنگام وصول چک سپرده‌گذار، بانک با وکالتی که از طرف سپرده‌گذاران دریافت نموده، سهم سپرده‌گذار را به قیمت روز محاسبه نموده و آن را خود بخرد، و برای وصول چک سپرده‌گذار، پول نقد پرداخت کند.

بانکها می‌توانند به منظور سهولت کار، سود سپرده‌های جاری را طی یک دوره زمانی خاص، محاسبه و پرداخت نمایند.

لازم به ذکر است که در این صورت، سپرده‌گذاران جاری در کل سهام شرکت‌های مختلف، سهیم هستند، و محاسبه میزان سهم آنان و پرداخت وجه نقد در هنگام تقاضای سپرده‌گذار، مجموع قیمت‌های بازاری سهام کل شرکتها در نظر گرفته می‌شود.

هر چند احتمال ریسک در خرید اینگونه از اوراق سهام، بسیار ضعیف است؛ ولی بر آن اطمینان بیشتر، بانکها می‌توانند اصل سرمایه سپرده‌گذاران را در ازای مبلغی از سود، بیمه نمایند.

با این پیشنهاد، علاوه بر رعایت اصول قانونی و شرعی، بانکها به اهرم مؤثری در جذب نقدینگی دست می‌یابند، و انگیزه کافی برای سپرده‌گذاری در افراد به وجود می‌آید.

بانکها در تشویق و ایجاد انگیزه سپرده‌گذاری جاری، می‌توانند از همان شیوه‌ای که در سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و یا بلند مدت استفاده می‌نمایند، در سپرده‌های جاری نیز به

منظور برآورد سود و پرداخت آن به سپرده‌گذاران استفاده نمایند؛ زیرا در یک مقایسه ساده می‌توان منابع بانک را به آبهای متراکم پشت یک سد تشبیه نمود، که از یک طرف آب از راه نهرهای متعدد وارد سد می‌شود، و از طرف دیگر آب از دریچه‌های زیر سد خارج می‌شود، هر چه مانده آب پشت سد بیشتر باشد، بازدهی بیشتری خواهد داشت.

منابع بانک نیز به عنوان یک واحد سیال است، که از طرفی سپرده‌گذاران، سپرده‌های خویش را به بانک می‌سپارند، و از طرف دیگر عده‌ای سپرده‌های خویش را برداشت می‌کنند؛ بنابراین بازدهی و سودآوری موجودی منابع بانک در طی یک دوره زمانی مشخص، قابل محاسبه دقیق می‌باشد.

همچنان که افزایش یا کاهش آب سد در افزایش یا کاهش بازدهی سد (مثلاً: قدرت تولید برق) مؤثر است، کم یا اضافه شدن هر یک ریال به منابع بانک، در کاهش یا افزایش قدرت سود آفرینی بانک نیز مؤثر است.

بر این اساس، با حسابرسی دقیق می‌توان سهم هر یک ریال را طی یک دوره زمانی مشخص محاسبه نمود. بانک، متناسب با میزان سپرده جاری و مدت زمانی که سپرده در بانک می‌ماند، سود را محاسبه و پرداخت می‌کند.

روند کنونی محاسبه سود سپرده‌های کوتاه مدت و بلند مدت، به این منوال می‌باشد، و در ابتدای سپرده‌گذاری، سودی را علی‌الحساب به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کنند، و در پایان دوره سرمایه‌گذاری، مازاد بر آن را (چنانچه مازادی وجود داشته باشد) به آنان پرداخت می‌نمایند.

این شیوه در حسابهای جاری نیز قابل اجرا می‌باشد. به این صورت که صاحبان حساب جاری نیز به بانک وکالت

می‌دهند، که سپرده آنان را در بخش حقیقی اقتصاد به کار گیرد، مشروط بر اینکه هر زمان تمایل به برداشت از حساب خود داشتند، ممانعتی از سوی بانک اعمال نگردد، و بانک نیز با محاسبات و حدسها و پیش‌بینی‌هایی که دارد، سود علی‌الحسابی را بر حسب مبلغ و مدت این سپرده‌ها به آنان پرداخت می‌کند، و در پایان دوره زمانی مشخص، پس از محاسبه دقیق سود، چنانچه مازادی بر سود علی‌الحساب حاصل شده باشد، به آنان پرداخت می‌نماید.

۵- ایجاد مراکز اطلاع رسانی و نظارت

بانک مرکزی می‌تواند در ارائه خدمات آموزشی، اطلاع رسانی، شناسایی و نظارت بر رعایت اصول قانونی و شرعی، مراکزی را در شهرهای بزرگ تأسیس نماید، تا وظایف ذیل را به عهده بگیرند: الف) آموزش کارگزاران بانکی نسبت به قانون و آیین‌نامه و دستورالعملهای اجرایی بانکها.

ب) آشنا سازی عموم مردم نسبت به کیفیت فعالیتهای بانکی، به وسیله تبلیغات، انتشار جزوات و میزگردهای توجیهی و پاسخ به سؤالات.

ج) اطلاع رسانی به مراجعان بانک، در سپرده‌گذاری و یا دریافت تسهیلات، اعلام وقت مناسب دریافت تسهیلات، اعلام نوع تسهیلات مناسب برای فعالیتهای اقتصادی مورد نظر افراد، کیفیت استفاده صحیح از تسهیلات و اعلام سود انتظاری سرمایه، خصوصاً در مورد سپرده‌های با ریسک زیاد.

د) نظارت بر روند فعالیتهای بانکی در رسیدگی به تخلفات و تشویق کارگزاران متعهد، و توبیخ کارمندان متخلف.

از مجموع نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌ها، می‌توان این نکته را استنباط

نمود، که مراکز اطلاع‌رسانی می‌توانند نقش بسیار حیاتی در روند اصلاح مشکلات کنونی بانکها داشته باشد.

۶- کاهش هزینه تسهیلات

با توجه به پیشنهادهای گذشته، هر چند هزینه تسهیلات پایین خواهد آمد (با توجه به کاهش قراردادهای مورد استفاده بانک و عدم نیاز به نظارت زیاد)؛ ولی پاره‌ای از تشریفات اداری در بانکها، هزینه‌هایی را به متقاضیان تسهیلات تحمیل می‌نماید، که باید در صدد رفع این

مشکل نیز برآمد.

پیشنهاد می‌شود کلیه امور ثبتی و اداری مربوط به وثیقه‌ها و یا تسهیلات اعطایی، در مراکز اطلاع‌رسانی، زیر نظر بانک مرکزی صورت گیرند، و اجازه قانونی آن از مجلس شورای اسلامی دریافت گردد؛ و بانکها بدون پیوند با سایر نهادها (همانند اداره دارایی و یا شهرداریها) عمل نموده، و صرفاً اصول و مقررات بانکی خود را اجرا کنند، تا از هزینه تسهیلات کاسته شود.

همچنین کسر ذخایر قانونی و احتیاطی از سپرده‌های سرمایه‌گذاری، موجب کاهش سود سپرده‌گذاران گردیده، که در صورت حذف الزامی بودن کسر این ذخایر، سود بیشتری نصیب سپرده‌گذاران می‌شود.

